

■ شکاف موجود میان تصویرسازی ذهنی دولت از واقعیت‌های بین‌المللی با آنچه در عالم واقع وجود داشت، ناشی از اصالت‌بخشی دولتمردان به قواعد مکتوب حقوق بین‌المللی و چشم‌پوشی از رویکرد رئالیستی قواعد جهانی که معطوف به قدرت بازیگران است، می‌باشد

### «وطن امروز» در هفتمین سالگرد انتخاب حسن

### روحانی به ریاست جمهوری از شکست ایده‌های وی و بازگشت دولت او به ایده‌های گذشته گزارش می‌دهد



انتخاب روحانی به عنوان هفتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی معلول مجموعه عوامل و گزاره‌هایی بود که او را تبدیل به منتخب یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری کرد. شاید نخستین و در عین حال مهم‌ترین عامل در این زمینه را بتوان موقعیت اضطراری انتخابات در سال ۹۲ ارزیابی کرد. تجربه تالطم‌های بی‌سابقه اقتصادی در بازه زمانی ۲ ساله از سال ۹۰ تا ۹۲، متغیر اقتصادی را بیش از هر زمان دیگری وارد معادلات انتخاباتی مردم کرد. تجربه بی‌سابقه‌ترین نظام تحریمی علیه‌کشورمان و تأثیر مستقیم آن بر معیشت عمومی مردم باعث شد تا روحانی بتواند با معرفی خود به عنوان یک گزینه اضطراری که توانایی بالایی در کنترل و مهار وضعیت موجود دارد، تبدیل به گزینه اول مردم برای آغاز دولتی جدید شود. روحانی با برجسته‌سازی راهکار سیاست خارجی و منحصر کردن راه‌های برون‌رفت از وضعیت موجود به این گزینه و طرح ایده مذاکره با دولت ایالات متحده توانست از خود چهره‌ای مناسب برای گذار از این دوره اضطرار تعریف کرده و در سایه این چهره نجات‌بخش ایده‌های

اجرائی خود را بدون آنکه چندان مورد محک افکار عمومی قرار بگیرد به عنوان یک فرمول نجات‌بخش به جامعه بقبولاند.

زمانی که او راهکار ۱۰۰ روزه خودش از وضعیت موجود اقتصادی را ارائه کرد، زمانی که در مناظره انتخاباتی با کنایه‌ای روشن از زیبا بودن چرخش ساترفیوژها مشروط به چرخش چرخ کارخانه‌ها سخن گفت تا از دل آن با بیرون کشیدن دو قطبی هسته‌ای- صنعتی، مردم را نسبت به همراهی با دولت خود قانع کند، زمانی که در گفت‌وگوی ویژه خبری از نماد کلید برای خود استفاده کرد و در تمام این فضاها مهم‌ترین عاملی که به او کمک می‌کرد تا از خود به عنوان گزینه‌ای در جهت گشایش‌های اقتصادی تصویرسازی کند، موقعیت اضطراری جامعه بود. پس بیراه نیست اگر انتخاب روحانی را قبل از هر چیز معلول اضطرار اجتماعی و توانایی او برای بهره‌گیری از این فضای اضطراری دانست.

اضطرار اجتماعی به روحانی کمک کرد ایده‌هایی خود را در فضایی هیجانی به‌عنوان ایده‌هایی مطلوب و در عین حال انحصاری معرفی کرده

#### «فهمیدن زبان دنیا» از مهم‌ترین صفاتی بود که روحانی

چه در انتخابات سال ۹۲ و چه در انتخابات سال ۹۶ بارها بر آن تأکید کرد. تلاش روحانی برای تقسیم عرصه رقابت‌های سیاسی به ۲ بخشی که در یک سوی آن خود و یارانش با فهمیدن زبان دنیا به دنبال توافقات بین‌المللی و منفعت ساختن مردم از مزایای آن بودند و در سوی دیگر رقبای او بدون داشتن فهمی از زبان دنیا به دنبال بالا بردن فشارهای بین‌المللی بودند، از مهم‌ترین رویکردهایی بود که در تمام ۷ سال گذشته پیگیری شد. روحانی کار خود را با تحقیر پیشینیان و محکوم کردن رقبای خود به نفهمیدن زبان دنیا آغاز کرد اما در نهایت به نقطه تکرار حرف‌های منتقدان خود رسید. روند تناقض‌گویی روحانی و ظریف در باب جهان پیرامونی خود و نقشی که برای متغیرهای آن قائل بودند، حکایت از آن دارد که گذر زمان چهره عریان واقعیت غلط بودن پیشفرض‌های آنان را بارها به رخ‌شان کشیده است. آغاز مذاکرات هسته‌ای با توافق ژنو همراه بود؛ توافقی که متن آن از نخستین روزهای انتشارش مورد انتقادات کارشناسی و حقوقی عمده متخصصان قرار گرفت اما این نقدها در منظومه سیاسی روحانی متراود با تمایل به انزوا و فشار بین‌المللی خوانده می‌شد. توقف در ایستگاه دوم و توافق لوزان نیز با چنین فضایی همراه بود تا در نهایت امر توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ بر مدار فهمی که روحانی و دولت او از زبان دنیا داشتند، منعقد شود. در چنین فضایی شکاف موجود آرزوهایی که دولت از

در شرایطی که روحانی با انتخاب شعار «به عقب برمی‌گردیم» در ایام تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ تمام تلاش خود را بر نفی گذشته‌ای که شامل دولت‌های نهم و دهم می‌شد گذاشت، بررسی عملکرد کابینه وی در هر دو دوره ریاست‌جمهوری گویای بیش‌ترین تعهد و دلبستگی‌اش نسبت به گذشته‌ای است که تجارب آن نشان از تغییر رویه‌های کلان نسبت به آن نیز می‌داد. انتخاب بدنه دولت از از میان وزرای پیشین دولت‌های سازندگی و اصلاحات و همچنین تلاش همه‌جانبه او برای پاک کردن هرگونه ردپایی از دستاوردهای دولت پیشین باعث شد او در سال آخر ریاست‌جمهوری بازگشت به بخش قابل توجهی از طرح‌های پیشین را در دستور کار قرار دهد. سیاست مذبوم شمردن دولت سابق و تعریف هویتی دولت تدبیر و امید به عنوان دولتی در تضاد حداکثری با هر آنچه در دولت‌های پیشین بوده است، باعث شد بخش قابل توجهی از اهتمام دولت صرف نفی و از بین بردن هر آنچه در سال‌های پیشین اتفاق افتاده بود شود.

نوع مواجهه دولت با طرح‌هایی همچون مسکن مهر، کارت سوخت، هدفمندی یارانه‌ها، سهام عدالت، طرح ششم و… همگی گویای یک سیاست یک‌دست برای از بین بردن تمام اقدامات پیشین با نیت شکل دادن به یک هویت جدید و سلبی بود که در نهایت امر نیز در تمام مصادیق اشاره شده دولتمردان تلاش کردند با بازگشت به گذشته و اهمیت انکارناپذیر هر کدام از آنها وضعیت موجود را اصلاح کنند. نتیجه مزخرف و پوپولیستی‌خواندن طرح مسکن مهر، توقف آن و تاخیر در ساخت واحدهای باقیمانده در شرایطی که هزینه هنگفتی صرف خرید هواپیما با نیت امبدوار کردن

گروه سیاسی:امروز ۲۴ خردادماه هفتمین سالگرد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ است؛ انتخاباتی که در آن، حسن روحانی با کسب ۵۰/۷ درصد آرا بر رقبای خود پیروز شد و سنگ بنای تحولات جدیدی را در کشور گذاشت. حداقلی بودن آرای او از یک سو و بی‌سابقه بودن پروژه‌های سیاسی او از سوی دیگر باعث شد از دولت روحانی با عنوان مصداقی خاص در راستای عبور از وضعیت موجود یاد شود. روحانی که تلاش می‌کرد با طرح ایده مذاکراتی، کلید عبور از بحران‌ها را در سیاست خارجی بیابد، بخش عمده تلاش خود را صرف ایجاد تصویری ذهنی از ایده‌های خود کرد. حالا دولت او در شرایطی آخرین سال زمامداری‌اش را تجربه می‌کند که به عقیده سرسخت‌ترین حامیان سیاسی وی هم، میان پروژه دولت در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ شکاف عمیقی وجود داشته است؛ شکافی که این روزها او و دولتش را مجبور به تکرار رویکردهایی کرده است که روزی خود در خط مقدم منتقدان آن قرار داشت. «وطن امروز» در پرونده پیش‌رو با بازخوانی موقعیت آغاز به کار دولت، ایده‌ها و سرانجام آنها، به بررسی درس‌هایی می‌پردازد که واقعیت‌های موجود به دولت روحانی تحمیل کرد.

### دولت اضطراری؛ ایده‌های هیجانی

«اعتدال» از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی بود که روحانی با بهره‌گیری از آن تلاش می‌کرد قفقان و ضعف نظریه‌های سیاسی دولت خودرا پوشش دهد. از یک‌سو تعریف اعتدال به میانه‌روی به او این امکان را می‌داد تا فارغ از ارزش یا ضدارزش بودن شعار دولت فراجاحی، دولت خود را واجد چنین صفتی بخواند، از سوی دیگر تعریف اعتدال به عقلانیت به او این امکان را می‌داد تا با افراطی توصیف کردن سایر گزینه‌ها و راه‌حل‌ها از پاسخگویی به ابهامات ایده‌هایش طفره رود.

با همه این اوصاف اما دولت روحانی در عمده سطوح خود یک کپی‌نه‌چندان کامل از دولت سازندگی به‌شمار می‌رفت،اندیشه‌های تکنوکراتیک این دولت در حول چند مفهوم تعریف می‌شد و برای رسیدن به توسعه‌اقتصاد میداو مقصدی تثبیت شده داشت. دولت روحانی که خود را محصول فضای اضطراری می‌دانست با تبدیل کردن سیاست خارجی و مقوله توافق با غرب سعی داشت تا باقی ایده‌های اجرایی خود را در ذیل این مفهوم تعریف کند. «توسعه برونگرا» نخستین گزاره مطلوب دولت روحانی به‌شمار می‌رفت، گزاره‌ای که تحقق آن تنها

به عبارت صریح‌تر، می‌توان اینگونه گفت که شکاف موجود میان تصویرسازی ذهنی دولت از واقعیت‌های بین‌المللی با آنچه در عالم واقع وجود داشت، ناشی از اصالت‌بخشی دولتمردان به قواعد مکتوب حقوق بین‌المللی و چشم‌پوشی از رویکرد رئالیستی قواعد جهانی که معطوف به قدرت بازیگران است، می‌باشد.

اما فراتر از مصداق ملموس برجام که آن را می‌توان به‌مثابه حاصل و هدف اصلی دولت روحانی به‌شمار آورد و سرانجام برعبر آن، جهت‌گیری دولت روحانی و گرایش آن به سمت غرب به عنوان قطب اصلی قدرت بود. نگاهی به حوادث ماه‌های اخیر و دستاوردهایی که دولت در حوزه بین‌الملل برای خود می‌شمارد، گویای دیگر درس‌هایی است که روحانی در طول سال‌های اخیر از واقعیت جهان گرفته است. اگر روزی جناح اصلاح‌طلب- که مهم‌ترین حامیان روحانی در تمام ۷ سال اخیر بوده‌اند- از روابط نزدیک جمهوری اسلامی با کشورهای آمریکای لاتین به عنوان روابطی غیرمعقول، تنش‌زا و بدون صرفه اقتصادی یاد می‌کرد، این روزها موفقیت ایران در ارسال ۵ محموله سوختی حامل بنزین به ونزوئلا را به عنوان دستاورد برجامی به‌شمار می‌آورند که از اساس برای تسهیل شدن صادرات‌مان به شکل مستقیم به کشورهای غیرتحریمی بوده است. در مورد مشابه دیگری، می‌توان به تلاش این روزهای دولت آمریکا برای ممانعت از منقضی شدن تحریم‌های تسلیحاتی ایران در مه‌رمه سال جاری اشاره کرد؛ اتفاقی



در آن جلسه زمانی که یکی از منتقدان برجام به ظریف بابت امکان خروج رئیس‌جمهور بعدی آمریکا از برجام (اتفاقی که قریب به ۲ سال بعد از جلسه مذکور رخ داد) هشدار داد، ظریف در پاسخ او گفت: «می‌گویند رئیس‌جمهور بعدی می‌خواهد با یک امضا تحریم‌ها را برگرداند؛ خوب برگرداند؛ چه کسی در دنیا آن را اجرا می‌کند؟ اگر رئیس‌جمهور بعدی آمریکا نمی‌تواند این کار را بکند، قاعده حقوقی داردا. من به شما اطمینان می‌دهم، تام کاتن این را گفت، جواش را به دادم، همه زیر توئیتش نوشتند، برو پولت را از هاروارد پس بگیر، خوب حقوق یادت ندادند». هرچند از این جلسه پرسش و پاسخ و تصویری که ظریف از جهان پس‌برجامی ترسیم می‌کند، می‌توان فراتر رفت و به انبوه تناقض‌های اینچنینی اشاره کرد اما می‌توان آن را به‌مثابه مشتی نمونه از خروار مواضعی به‌شمار آورد که گویای تفاوت منطق و زبان جهان با آرزوهای برجامی دولت بوده است.

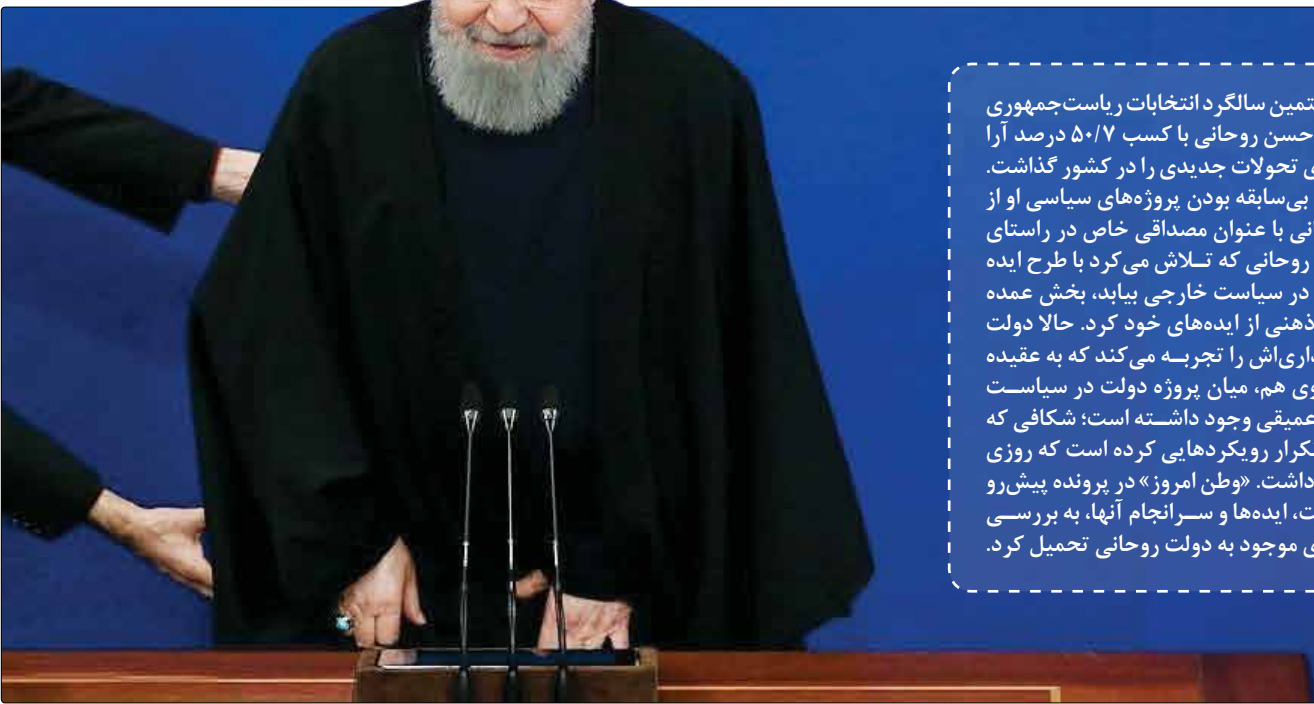
### بازگشت به عقب پیرمردها

رشد افسارگسیخته نقدینگی و عدم مدیریت صحیح آن، به گونه‌ای که باعث سرازیر شدن در بازارهای دلالی شد از مهم‌ترین عوامل بحران‌های اقتصادی سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود که در صورت داشتن نگاهی جامع به امکان‌های موجود، دولت توانایی مدیریت آن را داشت. شکست طرح پرسروصدا و پرهزینه تحول سلامت که

نیمه	ولی‌الله سیف/ مرداد ۹۴: مرکز میادلات ارزی منحل می‌شود	عبدالنصر هشتی/ تیر ۹۸: بار اصلی تأمین واردات کشور بر دوش سامانه نیماست
یارانه	علی طیب‌نیا/ مرداد ۹۴: شب پرداخت یارانه، شب مصیبت عظمای دولت است	محمدباقر نوبخت/ آبان ۹۸: فقط یکسوم درآمدهای هدفمندی به مردم پرداخت می‌شود
سهام عدالت	علی طیب‌نیا/ اسفند۹۴: ۶۰ شرکت را در قالب سهام عدالت بی‌صاحب‌سازی کردند	فرهاد دژپسند/ اردیبهشت ۹۹: سهام عدالت ارزش تاریخی دارد
پالایشگاه و خودکفایی بنزین	بیژن زنگنه/ آذر ۸۷: ساخت پالایشگاه صرفه اقتصادی ندارد	بیژن زنگنه/ آذر ۹۸: تولید بنزین را از ۵۲ میلیون لیتر در روز به ۱۱۰ میلیون لیتر رساندم
شبنم	محمدرضا ناعمذ/ تیر ۹۸: شبنم به قاچاق رسمیت داد	رضا رحمانی/ بهمن ۹۸: شناسه کالا/ارز مبارزه با قاچاق کالااست
کارت سوخت	بیژن زنگنه/ خرداد ۹۴: دوزخ بی‌پوش قیمت بنزین فساد می‌آورد	بیژن زنگنه/ بهمن ۹۷: چاره‌ای جز سهمیه‌بندی بنزین نداریم
مسکن مهر	عباس آخوندی/ بهمن ۹۲: مسکن مهر طرح مزخرفی است	محمد اسلامی/ اردیبهشت ۹۸: هیچ کس حق ندارد مسکن مهر را زیر سوال ببرد
تجارت با کشورهای مستقل	حسن روحانی/ اردیبهشت ۹۲: با کدخدا بستن راحت‌تر است	حسن روحانی/ آبان ۹۸: آماده ارتباط با کشورهای دوست مانند ونزوئلا هستیم

شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۹  
وطن‌امروز | شماره ۲۹۴۸

### سیاسی



### جهان‌بینی در نظام اعتدالی

رویکردی بود که روحانی با قاطعیت تمام آن را پیگیری می‌کرد. «بازاری کردن عرصه فرهنگ» از دیگر سیاست‌های دولت روحانی به‌شمار می‌رفت که نمونه‌مشابه آن را می‌توان باز هم در ۲ دوره سازندگی و اصلاحات مشاهده کرد. بر این اساس روحانی از همان نخستین ماه‌های آغاز به کار دولت خود، با طرح این بحث که دولت مسؤولیتی برای بهشت و جهنم رفتن مردم ندارد، خبر از مسؤولیت‌زدایی دولت در این عرصه نیز داد. در این چارچوب دولت به جای آنکه متولی فرهنگ عمومی جامعه‌باشد تبدیل به ناظم آن شده و عرصه باز‌گیری به گرایش‌های استیلا‌یافته واگذار می‌شد.

با این اوصاف «توسعه برونگرا» و پیش بردن خط مذاکرات حداکثری در عرصه سیاست خارجی، «سیاست تعدیل اقتصادی» و مسؤولیت‌زدایی از دولت در عرصه نیازهای پایهای جامعه و «بازاری کردن عرصه فرهنگ» و تبدیل آن به کارزاری ارزش‌زدایی شده را می‌توان مهم‌ترین بخش‌های منظومه دولت‌داری روحانی دانست که انعکاسی از الگوهای دولت‌های سازندگی و اصلاحات بود.

که باید به طور طبیعی و طبق متن برجام رخ دهد اما در سایه اصالت قدرت، آمریکا به دنبال نفی آن و جان‌داختن بدعتی جدید برای ممانعت از آن است. در چنین فضایی و در سایه تعهدات پرشماری که دولت روحانی با نیت همراه کردن اروپا با خود پیش برده است، او عمده تمرکز خود را به ۲ بازیگر دیگر یعنی چین و روسیه برای جلوگیری از این اقدام آمریکا معطوف ساخته است. اگر روزی روحانی برای تهییج عمومی به نفع تثبیت رویکرد غرب‌گرایانه خود مدعی می‌شد که «دولت سابق برای کارگران چینی تولید اشتغال کرده است»، در سخنان اخیر خود در حاشیه جلسه هیأت دولت در چهارشنبه گذشته، گفت: توقع ما از ۴ کشور دیگر دائم شورای امنیت این است که در برابر این توطئه به خاطر منافع و ثبات جهان ایستادگی کنند. به خاطر منافعی که در توافق هسته‌ای مدنظر منطقه و جهان بود، مخصوصاً از ۲ کشور دوست‌مان روسیه و چین، توقع داریم در برابر این توطئه ایستادگی کنند.

شکست تصویر کدخدامحور آمریکا و رویکرد هدایت امور به سمت همراه ساختن غرب با ایران، مهم‌ترین نشانه راه دولت روحانی به‌شمار می‌رفت و حالا در آخرین سال ریاست جمهوری او می‌توان بی‌اعتبار بودن این نقشه راه را مهم‌ترین درسی دانست که تاریخ به دولت او داده است. او که روزی از گفت‌وگو با آمریکا به عنوان برگ برنده خود یاد می‌کرد، این روزها با هشدار دادن به سایر دولت‌ها، تکرار تجربه خود را نشان از دیوانگی دولت‌ها می‌داند.

دولت روحانی این است که نگاه کلان به مسائل کشور ندارد و پروژه‌ای کار می‌کند، این دولت پیر، سیر، کند و پروژه‌ای است و تنها حسش این است که دولت رئیسی نیست!» پیوند زدن تمام امور اقتصادی و مدیریتی کشور به نتایج اقدامات دولت‌های غربی کشور را با رکود بی‌سابقه‌ای مواجه کرد که هرگونه اظهارنظر طرف‌های خارجی قادر به ایجاد تالطم در آن بود. این مسأله تا جایی پیش رفت که مقام معظم رهبری نیز لب به گلایه گشودند و از «شرطی شدن» اقتصاد ایران در جریان تحولات خارجی سخن گفتند. ایشان در دیدار خود با جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی در آبان‌ماه سال گذشته توجه به تولید داخل را موجب دور شدن کشور از حالت شرطی شدن دانستند و گفتند: زدن روند حل مشکلات به تصمیمات دیگران موجب بروز بدترین مشکلات برای کشور می‌شود. رهبر انقلاب با ابراز تأأسف از بروز این حالت در چند سال اخیر افزودند: در این سال‌ها بیان مسأله‌ای از قبیل اینکه «بینیم ۶ ده دیگر چه می‌شود» یا «برجام چه می‌شود»، و حالا نیز «به امید ابتکار رئیس‌جمهور فرانسه ماندن»، هیچ مشکلی را حل نکرده و نخواهد کرد و این نگاه باید کنار گذاشته شود. ایشان تأکید کردند: البته ایراد ندارد کاری که عبور از خط قرمز نیست، انجام دهند اما نباید حل مسائل اقتصادی را به این کارها گره زد و افکار عمومی را شرطی کرد.

این روزها در حالی دولت روحانی در آستانه آغاز آخرین سال زمامداری خود قرار دارد که کارنامه آن گویای وجود شکاف عمیقی میان ایده‌های طرح شده و واقعیت‌های موجود است.